

The Evolution of the Persian Language in its Cultural Context

تحول و تکامل زبان فارسی در بافت فرهنگی آن

Peyman Nojournian

پیمان نجومیان

University of Southern California

دانشگاه یو.اس.سی

nojournia@usc.edu

<http://dornsife.usc.edu/persian/>

۱۳ سپتامبر ۲۰۱۳

- خاستگاه زبان
- زبان‌های ایرانی
- زبان فارسی
- تکامل زبان
- واژگان قرضی - ضروری و غیرضروری
- تحولات زبانی در بافت فرهنگی
- زبان رسمی - هویت ملی
- برنامه‌ریزی و سیاست زبانی
- فرهنگستان زبان: تقویت و توانمندسازی زبان
- واژگان قرضی و ساخت واژه: اصول و قواعد
- موفقیت برنامه‌ریزی زبانی

- خاستگاه اولیه زبان انسان: غریزی و ناخودآگاه و با الهام از نام آواهای طبیعی (خِسِ خِس) یا تقلید از صدای حیوانات (میو) یا صداهای خود انسان (درد، گریه، شادی، ترس، خشم) بوده و در مراحل تکاملی خودآگاه و قراردادی شده است. بررسی خطوط باستانی، نشانگر ساده بودن و هجایی بودن نشانه‌های اولیه (واژگان) زبان‌هاست.
- ساخت واژگان مرکب و مشتق با استفاده از واژگان ساده قاموسی و دستوری (زیایی)، بسط معنایی واژه (چندمعنایی)، تکرار واژه (اتباع، عطفی):
- جوانی (دستوری)، گاومیش (دووآژی)، دلخواه (فاعلی)، جنگجو (مفعولی)، تیرانداز (را)، دلنشین (به)، شاهزاده (از)، دست‌ساز (با)، خانه‌زاد (در)، پدرخوانده (بدل)، پیرمرد (وصفی)، کارخانه (اضافی)، نم‌نم (اتباع)، کتاب‌متاب (اتباع)، آت‌و‌آشغال (عطفی)
- بسط معنایی در واژه شیر (جنگل، آب، لبنیات):
- قنات سرچشمه تهران و نصب شیر سنگی برای آب آشامیدنی در خانه قوام‌الدوله



- زبان‌های ایرانی، شاخه‌ای از زبان‌های هند و اروپایی هستند.
- زبانشناسان سه دوره‌ی تاریخی برای زبان‌های ایرانی قائل‌اند.
- دوره‌ی باستان: ۲۰۰۰ سال تا ۴۰۰ سال ق.م.: مادها، پارس‌ها، پارت‌ها و هخامنشیان
- دوره‌ی میانه: ۴۰۰ سال ق.م. تا سال ۹۰۰ میلادی - اشکانیان، ساسانیان
- دوره جدید: سال ۹۰۰ میلادی تا کنون
- برخی از زبان‌های ایران باستان: مادی، سکایی، اوستایی و فارسی.
- زبان‌های باستانی ترکیبی بوده‌اند. اسم، صفت و ضمیر به هشت صورت (نهادی، مفعولی، متممی بائی-به‌ای-ازی، اضافی، مکانی، ندایی)، سه جنس (مذکر، مؤنث، خنثی) و سه عدد (مفرد، مثنی، جمع) صرف می‌شده‌اند. مثلاً: مفعول - مؤنث - سوم شخص جمع
 زبان مادی (وزرکا: بزرگ خَشایِثیه: شاه) - نوشتار؟؟
 زبان سکایی (هپتا: هفت آرما: بازو) - نوشتار؟؟
- زبان اوستایی (وندیداد: قانون ضد دیو یشت: نیایش) - نوشتار: دین‌دبیره (از آرامی)
- زبان فارسی باستان (خَشایِثیه: شاه دهیو: کشور) - نوشتار: خط میخی (از بابلی) -
 هجایی و الفبایی - بصورت سنگ‌نبشته - از چپ به راست - ۳۸ نویسه و ۸ واژه‌نگار

- زبان فارسی: شاخه‌ای از زبان‌های ایرانی است.
- فارسی باستان: زبانی ترکیبی و تصریفی داشته است. خط آن موسوم به خط میخی (الفبایی) است که از سومری گرفته شده و نویسه‌های آن از چپ به راست و جدا از هم نوشته می‌شده است.

𐎠𐎡𐎢𐎣

/da.ra.ya/

(sea)



- فارسی میانه یا پهلوی: زبانی تحلیلی یا اشتقاقی داشته و در دوره‌ی ساسانیان بکار می‌رفته است. خط آن از خط آرامی گرفته شده و در خط اوستایی به تکامل خود رسیده (راست به چپ).

(sea)

/dra.yâ/

d rya



- فارسی جدید یا دَری: زبانی تحلیلی و اشتقاقی دارد. دوره‌ی پسااسلامی از فارسی میانه بوجود آمده است. خط آن از نسخ عربی است. خط نسخ از نبطی و آرامی ریشه گرفته است. خط فارسی جدید همخوانی است و دارای نارسایی‌های زیادی است از جمله حذف سه صدای کوتاه در نوشته‌های آن، داشتن آواهای تکراری (ح، ث، ص، ع، غ، ط، ض، ظ، ذ)، خوانده نشدن برخی نویسه‌ها (خواهر)، وجود ابهام آوایی، نحوی و معنایی در تلفظ برخی واژگان (مردَم، مُردَم، مَرْدُم) و وجود چند نوع نوشتار برای یک واژه (اتاق، اطاق).

(sea)

/dar.yâ/

دریا

- زبان پدیده‌ای زنده است زیرا در ذهن انسان پرورش می‌یابد، پس با انسان تحول و تکامل می‌یابد.
- مقایسه تحولات «در زمانی» (diachronic) زبان فارسی، نشانگر ساده شدن دستور (از بین رفتن صورت‌های صرفی هشتگانه، حذف کامل جنس و کم‌شدن شمار دستوری (مفرد و جمع)) و ساخت‌واژه و سادگی آوایی است. لیکن **فاصله کوتاه زمانی بین فارسی باستان و میانه (حدود سه قرن) با تکامل شگرف آن چندان متناسب نیست.** زیرا در فاصله نسبتاً زیاد بین فارسی میانه و جدید (بیست قرن) تحول بسیار کمتری دیده می‌شود.
فارسی باستان: /aspa/ << میانه: /asp/ << جدید: /asb/
ترکیبی تحلیلی تحلیلی
- از قرن دهم میلادی تا پیش از دوره‌ی استعماری، فارسی جدید وضعیت رسمی و ملی پیدا می‌کند و بطور گسترده‌ای در ایران، هند، عثمانی و آسیای صغیر بکار می‌رود.

- به دلیل تغییرات فرهنگی، مذهبی، سیاسی و علمی، واژگان جدیدی ساخته می‌شود و واژگان قرضی از سایر زبان‌ها، مانند عربی وارد فارسی می‌شوند. با این وجود، دستور زبان تغییر چندانی نمی‌کند.
- **دوره‌ی اسلامی تا مغول:** ورود واژگان آرامی (سُریانی و عربی) به فارسی بیشتر به دلیل تغییر دین و مذهب. مثلاً: کفن، لحد، حج، استغفار
- **دوره‌ی مغول تا قاجاریه:** واژگان تُرکی و مُغولی. بیشتر به دلیل تغییرات سیاسی و فرهنگی. مثلاً **مُغولی:** آقا، خانم، تومان، یورش، یورتمه، بیلاق، قشلاق... **تُرکی:** گلنگدن، تفنگ، آش، بشقاب، قاشق، قیچی، قوطی...
- **دوره‌ی قاجاریه و پس از آن:** ورود واژگان روسی و اروپایی بیشتر به دلیل تغییرات سیاسی، فرهنگی و علمی. مثلاً **روسی:** واگن، سماور، کالسکه، استکان... **فرانسوی:** آباژور، کوپن، کودتا، روژ، ششوار، رژی... **انگلیسی:** کت، داشبُرد، کامپیوتر، فیوز... **ایتالیایی:** سناریو، کنسرت، پیتزا، کازینو... **آلمانی:** اتوبان، فیلم، زیپ، زیگزاگ...

- واژگان قرضی **ضروری**: خلائى را در زبان پُر می کنند زیرا معادلى در زبان مقصد ندارند یا نام وسیله‌ای بوده‌اند. همه زبان‌ها واژه از هم قرض می گیرند. مثلاً: تفنگ، فشنگ، توپ و قفل از تُرکی وارد فارسی شده‌اند.
- واژگان قرضى **غیر ضروری**: خلائى را در زبان پُر نمی کنند زیرا در زبان مقصد معادل دارند. مثلاً: نرس بجای پرستار، فول تایم بجای تمام وقت.
- واژه‌های قرضى ابتداً یا بدلیل نبودِ معادل یا اظهار تَفَاخُر وارد زبان می شوند ولی در صورتیکه خلائِ پُر کُن باشند بتدریج به سبک و سیاق زبان وام گیرنده درمی آیند و جزء آن می شوند.
- فارسی‌زبانانی که در خارج از ایران زندگی می کنند بدلیل چیره‌شدن زبان دوم بر زبان مادری‌شان، دچار نقصان واژگانی شده و از واژگان قرضى استفاده می کنند. مثلاً: برای **ریفایننس** کردن **مورگج** (**تغییر شرایط وام**)، خانه‌ی خود با **ریل استیت ایجنت** (**مشاور املاک**) ما تماس بگیرد. ایجاد زبان مادری آمیخته (Creole) «**فینگلیش**» برای نسل دومى‌ها.

- تحولات زبانی بیشتر بازتابنده‌ی تغییرات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، مذهبی، و علمی هستند. چنانچه ادعا کنیم که زبان و فرهنگ زمان حافظ و فردوسی را در اشعارشان به سادگی درک می‌کنیم، یعنی زبان و فرهنگ امروز ما خیلی متحول نشده است. عدم تغییر و تحول زبانی و فرهنگی در فاصله‌ی زمانی قابل توجه (بیست قرن)، می‌تواند نشانه پیشرفت بسیار کند باشد.
- چو کحل بینش ما خاک آستان شماست کجا رویم، بفرما از این جناب کجا (حافظ)
کحل: به معنای سُرْمه کشیدن جناب: به معنای حیاط خانه
معنی: چون خاک آستان شما سُرْمه چشم ماست، بفرمایید که از این پیشگاه (به) کجا (بهتر از آن) برویم (شرح سودی بر حافظ).

نمونه‌هایی از بازتاب تحولات فرهنگی بر واژگان فارسی امروزی:

- بازتاب پیشرفت‌های **علمی** بر واژگان: (فن آوری نوین)
اینترنت، وبگاه، پیامک، سیم کارت، صفحه کلید، دیش، فیسبوک، آی‌سی، همراه
- بازتاب تحولات **اجتماعی**:
زورگیری، شرخر، ارازل و اوباش، خاک سفید
- بازتاب تحولات **سیاسی و مذهبی**:
دانشجوی ستاره‌دار، خودی، غیرخودی، مردم‌سالاری، لباس شخصی، دفاع مقدس، خودجوش،
ولایت فقیه، شورای نگهبان، اصولگرا، اصلاح طلب، فتنه گر، سران فتنه، کارگزاران، فتوا،
نماز جمعه، میانه‌رو، جریان انحرافی، بهار، گروه فشار، طهر غیرمؤاِقه (حقوق و شریعت اسلام)،
تجمیع انتخابات

- بازتاب تحولات **دانشگاهی**:
انقلاب فرهنگی، کارشناس (در غیاب عنوان مهندس برای علوم انسانی)، کارشناس ارشد، علمی-کاربردی، پیام نور، دانشگاه آزاد، غیرانتفاعی، حذف و اضافه
- بازتاب تحولات **اقتصادی**:
سکه طرح قدیم و جدید، هدفمندی یارانه‌ها، قرض الحسنه، سهام عدالت، مسکن مهر
- بازتاب پیشرفت‌های **نظامی**:
سردار، رزمنده، بسیج، سپاه، ستادمشترک، پدافند غیرعامل، ارتش سایبری، سربازان گمنام، ش.م.ر (شیمیای میکروبی.رادیواکتیو)، نیرومخصوص، جانباز، موجی، شیمیایی
- بازتاب تحولات **فرهنگ عامیانه**:
بروبکس، جواد، عبدالله، ضایع، گاگول، پ.ن.پ، هالو، تر کوندن، خفن، پیچوندن، سوتی دادن، لایی کشیدن، خوب آمدن، سیم ثانیه، دامبولی، اکس زدن، تیکه، آخوندبازار، کلاس بالا، ضدحال، فاطمه کماندو، خوراک، کف کردن، تابلو، آنتن، داف، عند، برو حالشو ببر،

- **زبان رسمی:** زبان معیاری است که بیشترین سخنگو را دارد و توسط دولت مرکزی هر کشور (در محدوده‌ی مرزهای سیاسی) بعنوان زبان رسمی آن کشور انتخاب می‌شود. زبان رسمی، معمولاً دارای تاریخ کهن‌تر، و پشتوانه‌ی فرهنگی و ادبی غنی‌تری است و برای مقاصد دانشگاهی، علمی و رسمی مناسب‌تر می‌نماید و در رسانه‌ها بکار می‌رود. مانند فارسی در ایران با لهجه گویشوران تحصیل کرده، و یا انگلیسی و فرانسه در کانادا.
- در کنار زبان رسمی، باید به زبان‌های بومی و محلی (تُرکی، کُردی، لُری، بلوچی، گیلکی، عربی...) نیز اهمیت داد و نباید به بهانه ترس از تجزیه‌طلبی، آن‌ها را سرکوب کرد زیرا:
- «احساس وحدت ملی نتیجه عوامل روانی، اجتماعی، تاریخی و فرهنگی متعددی است که وحدت زبان فقط یکی از آنهاست» (باطنی، ۱۳۷۵)

- هر زبانی برای توانمند شدن و پوشش ایده‌ها، فن‌آوری‌ها و ابداعات نوین علمی باید واژگان و الگوهای جدیدی بسازد.
- قرض کردن بیش از حد واژگان از زبان‌های دیگر باعث **افزایش کم‌سوادی** و **تهدید هویت ملی** می‌شود.
- ورود بی‌رویه واژگان قرضی و عدم ساخت واژگان نو برای پدیده‌های تازه، باعث **ناتوانی زبان در بیان مفاهیم جدید** می‌گردد.
- فرهنگستان زبان باید در جهت توانمندسازی علمی و فرهنگی زبان رسمی تشکیل شود.

فرهنگستان زبان: تقویت و توانمندسازی زبان

- نخستین فرهنگستان زبان در سال ۱۶۳۵ توسط فرانسوی‌ها تأسیس شد.
- کار فرهنگستان زبان در تدوین برنامه‌ریزی و سیاست زبانی
 - ۱- انتخاب/بازیابی گونه‌ای از زبان مادری و اعلام آن بعنوان زبان رسمی کشور (مثلاً زبان عبری نوین در اسرائیل)
 - ۲- انطباق توانمندی‌های زبان رسمی با آخرین نیازهای علمی و دانشگاهی (ساخت واژگان و الگوهای جدید زبانی)
 - ۳- پالایش زبان رسمی از واژگان قرضی (واژگان قرضی بازتابنده‌ی چیرگی نظامی، علمی، سیاسی، اقتصادی و دینی فرهنگ غالب بر فرهنگ مغلوب هستند)
 - ۴- معیارسازی خط و انتخاب سیستم نوشتاری ملی، یا اصلاح خط ملی
- موفقیت برنامه‌ریزی زبانی در صورتی‌که بتواند **انگیزه‌ای قوی** در مردم ایجاد کند و دولت بتواند با قدرت از آن **حمایت** کند (ترکیه، اسرائیل)

فرهنگستان زبان: تقویت و توانمندسازی زبان

- واژه‌سازی غیرحرفه‌ای به دوره‌ی ساسانیان برمی‌گردد:
هندسه << زمین‌پیمایی منطق << دین‌دانشی مُنجم << اخترآمار
- تأسیس اولین فرهنگستان ایران در سال ۱۳۱۴ خورشیدی: پس از نهضت مشروطه ایجاد شد تا برانگیزنده‌ی «**وحدت ملی**» در مردم باشد. دوهزار واژه جدید ساخته شد. بسیار **موفقیت‌آمیز** بود.
مثال: بُرش، انجمن، پیش‌آهنگی، دادگاه، استان، خلبان، فرودگاه، شهربانی، شهرداری (بلدیه)، دانشگاه (یونیورسیتیه)، ارتش، فرهنگ (معارف)، بهداشت (صحیه)، دادگستری (عدلیه)، هواپیما (طیاره)، ...
- دومین فرهنگستان زبان ایران در سال ۱۳۴۷ خورشیدی: به دلیل تمرکز بر ملی‌گرایی و سلطنت‌رویکردی باستانی بر واژه‌سازی داشت. حدود هفت هزار واژه جدید ساخته شد که موفقیت‌چندانی در بر نداشت.
مثال: ترابری (تَرا: واژه هخامنشی)، شاهنشاه، هما...
- سومین فرهنگستان زبان و ادب فارسی در سال ۱۳۶۹ خورشیدی: تاکنون رویکردی افراطی در پالایش زبان از فرهنگ غربی و تمرکز بر فرهنگ عربی-اسلامی داشته است. حدود ده هزار واژه برای حوزه‌های علمی ساخته شده است (**من حیث المجموع** - **کامپیوتر** << رایانه)

واژگان قرضی و ساخت واژه اصول و قواعد

- واژه‌ی جدید باید به دور از هرگونه افراط و تعصبی ساخته شود و ساخت آن
- باید منطبق با قواعد و نحو زبان باشد.
- باید منطبق با قواعد واژه‌سازی و زایایی واژگانی باشد (ترکیب‌پذیری، اشتقاق‌پذیری و تصریف‌پذیری) - مثلاً ساخت فعل ساده از اسم و صفت با پسوند -یدن << چسبیدن، غلتیدن، بوسیدن، نامیدن، چربیدن، تلفنیدن ...
- باید منطبق با قواعد آوایی، واجی و واژگانی زبان باشد.
- باید منطبق با معیارهای نوشتاری زبان باشد.
- باید منطبق با قواعد معنایی و کاربردی زبان باشد.
- باید فارسی باشد یا بازتابنده‌ی فرهنگ و میراث ایرانی باشد.
- باید شفافیت واژگانی داشته باشد و قابل درک باشد.
- نباید بدآوا باشد.

واژگان قرضی و ساخت واژه اصول و قواعد

- می توان از سایر زبان های ایرانی برای واژه ی نو استفاده کرد:
کمپوت << خوشاب (نوعی آبمیوه در نیشابور)
- از برخی تکواژهای زایا در زبان فارسی قدیم می توان استفاده کرد:
پاد (ضد) << پادتن، پادزهر
- معنی واژه را باید بسط داد:
پیچ، یخچال (طبیعی و خانگی)، پستانک (محل گریسکاری در ماشین)
- می توان از واژگان مخفف، و سرنام واژه استفاده کرد.
هواسنج، فاصله کانونی، توانیر (تولید و انتقال نیرو)، سیبا (سامانه یکپارچه بانکی)
- واحدهای جهانی اندازه گیری، و نام داروها را نباید ترجمه کرد:
متر، پاسکال، اهم، سدیم، استامینوفن
- ترجمه کلمه-به-کلمه برخی واژگان: مثل بلندگو

- جامعه در پذیرش واژگان نو همواره مقاومت می‌کند زیرا برخی واژگان با انگیزه‌های سیاسی ساخته شده و اصولاً سخنگویان یک زبان فکر نمی‌کنند که زبانشان با ورود واژگان قرضی به خطر افتاده باشد. این مطلب تا حدودی درست است. بعنوان مثال بسیاری از واژگان قرضی از زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و عربی، بخش جدایی‌ناپذیری از زبان فارسی شده‌اند و به سبک و سیاق آن درآمده‌اند (مثلاً: جامعه، کامپیوتر) و حذف آن‌ها از زبان محکوم به شکست خواهد بود. این مردم هستند که تصمیم نهایی را می‌گیرند.
- برای فن‌آوری‌ها و اندیشه‌های نو باید پیش از ورود واژه‌های قرضی به هر زبانی، واژگانی تازه ساخت. در غیر اینصورت، زبان مورد نظر خیلی زود توانایی بیان مفاهیم نو و علمی را از دست خواهد داد! مثلاً تلفن همراه (mobile)
- هم‌زمان با واژه به نحو زبان و تقویت قواعد دستوری (ویراستاری) هم پرداخته شود (رادیوی... مسئولیت نظرات مهمانانی که در این برنامه اظهار شده را برعهده نمی‌گیرد << رادیوی... مسئولیت نظراتی را که مهمانان این برنامه اظهار کرده‌اند، برعهده نمی‌گیرد.)

- محمدرضا باطنی (۱۳۷۵). چهارگفتار درباره‌ی زبان، انتشارات آگاه، تهران
- کوروش صفوی (۱۳۶۷). نگاهی به پیشینه زبان فارسی، انتشارات نشر مرکز
- محسن ابوالقاسمی (۱۳۶۴). زبان فارسی و سرگذشت آن، تهران
- وبگاه فرهنگستان زبان و ادب فارسی

<http://www.persianacademy.ir/>

- شجره‌ی زبان فارسی - دایره‌المعارف جهانی ویکی‌پدیا:

http://en.wikipedia.org/wiki/Persian_language

Creole: زبان مادری آمیخته:

Pidgin: زبان آمیخته:

productivity: زیایی:

language: گویش:

dialect: لهجه:

register: گونه، سبک:

consonant: همخوان:

vowel: واکه:

character: نویسه:

compound: مرکب:

voiced: واگذار:

unvoiced: بی‌واک:

phonetics: آواشناسی:

phonology: واجشناسی:

morphology: واژه‌شناسی:

syntax: نحو:

inflection: صرف:

pragmatics: کاربردشناسی:

semantics: معناشناسی:

derivation: اشتقاق:

synthesis: ترکیب:

diachronic: در زمانی:

synchronic: هم‌زمانی:

panchronic: همه‌زمانی: